

سه شنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۱ [2012.11.20]



English | العربية | آگهی ها | درباره ما | آرشيو | نقشه سایت

پاسخ به مشکل خوانندگان خبرآنلاین: پنجشنبه مشکل کارتهای بانک آینده حل می‌شود

کاربران آنلاین: 4901

به روز شده: ۱ ساعت و ۵۹ دقیقه قبل



صفحه اصلی | سیاست | اقتصاد | فرهنگ | جامعه | بین الملل | ورزش | دانش | فناوری اطلاعات | طنز و کاریکاتور | ویلاک | مشکلات مردم | چندرسانه ای

سینما | تلویزیون | ادبیات | موسیقی | تجسمی | رسانه | تئاتر | دین | کتاب |

زیبای کوچک
با امکانات ویژه

ابراهیم
EBRAHIM
۰۲۱-۸۸۹۲۱۰۲۰
www.ebrahim.info

ساجیران
مهمان اداری و منزل
۸۸ ۲۰ ۸۹ ۰۹

IRANTALENT.com
استخدام در شرکت های مخابراتی

بانک دی
BANK DAY
www.bank-day.ir

آخرین خبرها | دیگر خبرها

عکس جدید مت دیمن در یک تریلر آینده‌گراییانه نماینده مدیران مسئول مطبوعات و خبرگزاری‌ها چگونه انتخاب شد؟

مقایسه آرای انتظامی و رقیابیش در انتخابات نماینده مدیران مسئول در هیات نظارت بر مطبوعات

ترانه تیتراژ سریال «مختارنامه»

چهره کتک‌خورده بازیگر نامزد اسکار در یک فیلم مدیران مطبوعات باز هم حسین انتظامی را انتخاب کردند

پدر آلودوار فیلمی علمی تخیلی می‌سازد

«هابیت» قبل از اکران در دسترساز شد

تلویزیون چگونه به استقبال ماه محرم رفته است؟

تهیه‌کننده «قلب پخی»: استقبال مخاطبان مسئولیت ما را سنگین‌تر کرد

عکس‌های بازیگر جانشین فرمانده سپاه از پشت صحنه فیلم حاتم‌کیا

تقدیم یک نمایش به آقای بازیگر + روایت انتظامی از بازیگران زنی که دو چادر داشتند نماینده مدیران مسئول نشریات در هیات نظارت بر مطبوعات امروز انتخاب می‌شود

خانه کتاب تکدیگر کرد / این ۱۱۰ سکه به چه کسی می‌رسد

ستیز با خویش و جهان از زبان یک یاغی با برنده ایرانی انتخابات چهارم نوامبر آمریکا آشنا شوید

مکبث بندرعباسی در راه مسکو

تاریخ تمدن از زبان یک ایرانی: اهمیت‌تری برای جوانان

راه‌نمای پزشکی برای کودک شما + ملکوت در غبار

سرنوشت هدیه تهرانی در سینمای ایران

عکس‌های بهاره رهنما در یک نمایش

مرگ نوزاد هفت ماهه تئاتر

پروژه شکست خورده سریال های خانگی

روایت دلبری هم به بازار آمد

تاب بیاورید تا عمو برایتان آب بیاورد... ماه به روایت آه و چند لحظه یا سقای آب و ادب اولین عکس‌های کارتون جدید سازندگان «عصر یخ»

دو زن در یک آینه

سقوط بر روی پرده نقره ای

فیلمسازان برای شرکت در جشنواره فجر تا ۲ آذر فرصت دارند

خلاقیت هنری در طراحی عاشورایی / وسایلی که جوانان برای عزاداری می‌خواهند

بیشتر...

با خرید تبلت‌هاک ایسوس به بالای سفر کنید...
www.hamahangil.com Tel:021-83344

آگهی استخدام
فست کلیک دعوت به همکاری می‌نماید
Fast Click
www.fastclick.ir

داربست های مدولار
تسکو

زمان انتشار: ۲۲:۵۲ - ۱۳۹۱/۸/۲۸ | نسخه چاپی | امتیاز به این مطلب: (20)



سروش صحت: پیشنهادهای بازیگری را می‌گذارم در کفه ترازو / بهاره رهنما: در تئاتر یک ششم سینما دستمزد می‌گیرم / مشروح کافه خبر نمایش «آواز خوان طاس»

تئاتر - عوامل هنری «آواز خوان طاس» می‌گویند این نمایش با شرایط امروز جامعه نزدیکی و مناسبت دارد و بر بحران ارتباط بین مردم در عین با هم بودن انگشت می‌گذارد.

مهدی یاورمیش: «آواز خوان طاس» که هفته پیش اجرایش به پایان رسید، از جمله نمایش‌های موفق امسال بود که توانست تماشاگران زیادی را به تماشاخانه ایرانشهر بکشاند.

این نمایش با کارگردانی بهمن معتمدیان، طراحی صحنه و لباس پویا آریان پور و بازی امید روحانی، سروش صحت، بهاره رهنما، هومن برق‌نورد، هوتن شکیبا و فلاکک جنیدی از معدود کارهای چند سال اخیر به شمار می‌آید که توانسته اجرایش درخور از یک کار آبرورد را روی صحنه بیاورد. در این نمایش، خانم و آقای اسمیت در خانه خود میزبان خانم و آقای مارتین می‌شوند و گفتگویی را آغاز می‌کنند که هر چه بیشتر پیش می‌رود، بی‌معنی‌تر می‌شود. اضافه شدن دو شخصیت دیگر (خدمتکار خانه و آتش‌نشان) به این جمع نیز بر این ابهام و ابهام می‌افزاید تا آنجا که...

چندی پیش، تعدادی از عوامل هنری این نمایش مهمان خبر آنلاین بودند که در باره وجوه محتوایی و اجرایی کار به بحث و گفت و گو نشستند و در ضمن پاسخگویی پرسش‌های کاربران سایت نیز شدند.

کافه خبر نمایش «آواز خوان طاس» در فضایی بسیار صمیمی، شاد و پر شور برگزار شد که شاید تنها با شنیدن فایل صوتی آن بتوان حس حاکم بر آن را درک کرد. با این حال در پیاده کردن و تنظیم این میزگرد هنری سعی کرده ایم تا حدی که می‌شود، حال و هوای آن را نیز به مخاطب انتقال دهیم.



سروش صحت، بهمن معتمدیان، فلاکک جنیدی، بهاره رهنما، هوتن شکیبا و پویا آریان پور در خبرآنلاین

60 سال پیش، مارتین اسلین (نظریه‌پرداز و منتقد تئاتر) برای نمایشنامه‌های اوژن یونسکو و ساموئل بکت از برجسب آبرورد استفاده کرد؛ نظری که مخالفت این دو نویسنده را برانگیخت، آیا شما هم مت‌هایی چون «آواز

خوان طاس» را در گونه تئاتر معنا باخته یا پوچ کرا قرار می‌دهید؟ می‌خواهم بدانم نسبت و مواجهه شما با اثری از این دست چگونه است؟

بهمن معتمدیان: مارتین اسلین به عنوان منتقد به وظیفه‌اش کرده است. او به دنبال طبقه بندی و نظام مندی است تا بتواند یک اسم روی جریانی ادبی یا هنری قرار دهد و آن وقت دست به نقد بزند. در مقابل هم معلوم است یونسکو بی‌شک دلقور می‌شود و دوست ندارد روی کارش اسم بگذارند.

در این میان من خیلی به این برجسها اعتقاد ندارم و به مفهوم تئاتر آیزورد به آن معنا که اسلین و دیگران به کار می‌بندند، پایبند نیستم.

خلاصه بگویم که یونسکو به عنوان نویسنده، مارتین اسلین در مقام منتقد و من کارگردان هرکدام کار خودمان را کرده و می‌کنیم.

پویا آریانپور: من هم مثل بهمن فکر می‌کنم. تاثیری که خود نوشته و متن یونسکو روی من می‌گذارد، خیلی بیشتر از آن چیزی است که منتقدان و نظریه پردازان در باره‌اش گفته‌اند. با این حال وقتی عنوان و اطلاق تئاتر پوچی، معنا باخته یا... بر این نوع نمایشنامه‌ها برای بیش از 60 سال در دنیای ادبیات ماندگار می‌شود، به نظرم خیلی بیراه نبوده است.

البته خود یونسکو بعد از نخستین اجرای «آواز خوان طاس» از آن به عنوان ناتئاتر یاد می‌کند.

آریانپور: اینکه ناتئاتر است، بیشتر واکنش انتقاد آمیز یک هنرمند است که هر زمان دیگر و در هر رشته‌ای رخ می‌دهد. در تاریخ هنر زیاد دیده‌ایم که این تانقاشی است. نامجسمه است یا ناسینماست و... که بیشتر اعتراض یک هنرمند به جریان‌های هنری پیش از خود است. اما اینکه ناچی هست....

سروش صحت (به میان صحبت آریانپور می‌آید): ناچی چیست؟

خنده جمع) آریانپور: ناچی نه. داشتم می‌گفتم اینکه ناچی هست دلیل نمی‌شود که چی هست؟ در واقع من با هیچ کدام از این تعریفا چه از جانب اسلین یا یونسکو گرفتاری ندارم و بیشتر منگی به آنچه هستم که متن به من می‌دهد.



عکس دست جمعی عوامل «آواز خوان طاس» در دکور نمایش

با اینکه در شرح صحنه نمایشنامه، یونسکو بر یک خانه انگلیسی با تمام جزئیات واقعی‌اش تاکید می‌کند، اما شما به سمت طراحی صحنه غیر واقع کرا رفته‌اید. این نشان می‌دهد پایبند شرح صحنه یونسکو نبوده‌اید؟ آریانپور: من از روح و جان و فضای نمایشنامه الهام گرفته‌ام. برای همین طراحی صحنه من بیشتر سمبولیستی است، یا بهتر بگویم یک نوع حضور مینی مالیست که با نشانها ی سمبولیست با آن رویرو شده‌ام.

یونسکو در شرح صحنه‌اش تاکید می‌کند در یک شرایط عادی در یک خانه عادی و... اما وقتی شما این فضا را از حالت واقع کرا خارج می‌کنید، آن معنا باختگی متن و مضحک بودن دیالوگها را کم رنگ نمی‌کنید؟

آریانپور: اصرار ورزیدن به یک جا یعنی هیچ جا؛ در واقع یونسکو وقتی می‌گوید خانه انگلیسی، مبل انگلیسی و... دارد با کلمات بازی می‌کند که نمی‌تواند سند و محور کار ما قرار بگیرد. از یاد نبرید که اجرای ما یک بازخوانی مجدد از نمایشنامه «آواز خوان طاس» است.

صحت: در مورد اینکه من چه نگاهی به جریان آیزورد دارم، باید بگویم که این گونه تئاتری برای امروز دیگر نو نیست. در واقع اگر سال 1949 میلادی، این نمایشنامه‌ها دهن مخاطبان را از تعجب باز می‌کرد، اما امروز دیگر چنین نیست. به عبارت دیگر، «آواز خوان طاس» بعد از 63 سال، یک متن کلاسیک به شمار می‌آید.



در کافه خبر «آواز خوان طاس»، وجوه محتوایی و اجرایی این نمایش مورد بحث و بررسی قرار گرفت

برای همین بسیاری از منتقدان به جای آرزو خواندن این نوع تئاتر، از آن به عنوان پیشرو (آوانگارد) یاد می‌کنند. یک جریان هنری که در شش دهه بعد، بر تئاتر جهان تاثیر عمیق و زیاد گذاشت. معتمدیان؛ هر هنر آوانگاردی به مرور زمان کلاسیک می‌شود. البته می‌توان برای اجرا به آن نگاهی آوانگارد داشت که ما سعی کرده‌ایم چنین کنیم.

صحت: بعد از «آواز خوان طاس» و دیگر کارهای یونسکو، نویسندگان زیادی از این جریان تاثیر گرفتند، اما کار خوشان را کردند. آرزو از سال 1949 تا امروز مسیری بسیار طولانی را طی کرده است که هنوز ادامه دارد و مدام تغییر شکل هم می‌دهد. حتی در سال‌های اخیر بر خلاف یونسکو که می‌خواست از داستان گویی دوری کند، خیلی‌ها آمده‌اند و می‌گویند برگردیم و ببینیم چه داستان‌هایی را می‌توانیم در نمایشنامه‌های او پیدا کنیم.

هوتمن شکیبیا: من خیلی با چارچوب درست کردن برای آثار هنری موافق نیستم. بی‌شک هیچ کس نیامده از همان ابتدا فکر کند که چه می‌خواهد بگوید و چه سبک و گونه جدیدی بیافریند.

هر جریانی دو جور پدید می‌آید یا هجو فضای‌های گذشته یا تکمیل آن. بعد منتقدان و نظریه پردازان می‌آیند و برایش نام گذاری می‌کنند. اما یونسکو چیزی است که خیلی حرف‌ها دارد، نمی‌تواند پوچ گرا باشد.

اجازه بدهید از منظر منتقدان و نظریه پردازان فاصله بگیریم و بپرسم شما به عنوان بازیگر چگونه با این گونه تئاتری رویرو می‌شوید؟ از تجربه‌هایتان در «آواز خوان طاس» بگویید.

شکیبیا: من بدون پیش زمینه به این نوع کارها نزدیک می‌شوم. برای مثال دوست ندارم از قبل برایش یک چارچوب تعریف کنم و خودم را در آن مقید سازم.

در «آواز خوان طاس» که موقعیت‌هایی بررابط دارد که دائم در هم می‌غلطند، من سعی کردم از این ارتباط برقرار نکردن آدم‌ها با هم بازی‌ام را بسازم نه اینکه یک ارتباط ایجاد کنم.

فلامک جنیدی: یک وقتی هست که در کار تعریف شخصیت داری و از تحلیل نقش به بازی می‌رسی که اینجا چنین نیست. به نظرم در مته‌هایی مثل «آواز خوان طاس» یک کلیتی مهم است که باید درکش کنی و بعد جزئیات و ظرافت‌های بازی را خودت درآوری. در بازی این نوع نمایشنامه‌ها، ریتم خیلی اهمیت پیدا می‌کند که در شکل دادن آن نقش کارگردان خیلی مهم است.

صحت: مهم‌ترین کار بهمن هم این بود که برای کار یک ریتم بسازد و هارمونی بوجود بیاورد.

جنیدی: در این کار حس گیری به آن معنا وجود ندارد که من غمگین شوم یا خوشحال یا... که این کار بازیگر را سخت‌تر می‌کند. ما باید به یک ریتم در نمایش می‌رسیم و بعد از آن به نظرم دیگر مهم نبود در کدام نقش بازی کنیم. برای همین فکر می‌کنم هر کدام از ما می‌توانیم در نقش‌های دیگر این نمایش هم بازی کنیم و زیاد فرق نمی‌کند.

بهاره رهنما: من ابتدا که متن را خواندم، کمی ترسیدم و دو روز طول کشید که جواب مثبت به کارگردان بدهم. چرا که من وقتی نمایشنامه می‌نویسم یا بازی می‌کنم، خیلی متکی به داستان هستم که کار یونسکو آن را ندارد.

اگر نمایشنامه‌ای داستان نداشته باشد، من مثل آدمی می‌شوم که نقشه ندارد. برای همین چون «آواز خوان طاس» یک تجربه جدید بود، من باید تمام دانسته‌ها و نقطه‌های اتکا را کنار می‌گذاشتم و دری را می‌گشودم که به راهی نو باز شود.



بهاره رهنما و فلامک چندی در این نمایش نقش خانم اسمیت و خانم مارتین را بر عهده داشتند

کلید این در را چه جوری پیدا کردید؟

رهنما: در روند کار با گروه متوجه شدم که متن چقدر شبیه به زندگی امروز ماست. من خودم را دست متن سپردم و محو جادوی آن شدم که البته کارگردانی آقای معتمدیان در بازخوانی متن و هدایت ما خیلی موثر بود.

برای مثال اگر این متن را دست من میداند آن را خراب می‌کردم و یک نمایش صورتی و عاشقانه در می‌آوردیم که در آن همه عاشق هم می‌شدند.

خب آقای معتمدیان حالا توپ تو زمین شماست که در باره کارگردانی این متن بگویید.

بهمین معتمدیان: من با این متن مثل یک اثر کلاسیک برخورد کردم. از همان ابتدا می‌دانستم چه کار باید بکنم، چه کار نکنم و چه بخش‌هایی را باز بگذارم تا با کمک بازیگران شکل دهم. من به دنبال آن بودم تا ضمن آنکه متن زنده می‌شود، تماشاگر خوانش و روایت من را هم ببیند.

یکی از تغییراتی که شما در نمایشنامه انجام داده‌اید، این است که شخصیت ماری (خدمتکار زن خانه) را به یک مرد داده‌اید. چرا؟

معتمدیان: معنا باختگی در جنسیت، در ذات نمایشنامه‌های یونسکو است و برای همین خواستم این وجه از متن را نشان دهم.

این کار بر جنبه مضحک بودن موقعیت و شخصیت‌های نمایش می‌افزاید و این شک را بوجود می‌آورد که نکند برای جذب مخاطب بیشتر دست به آن زده‌اید.

معتمدیان: اگر با لوده بازی و ادا و اطوار همراه می‌شد، شاید این اتهام مصداق پیدا می‌کرد. اما با این کار ما تنها خواستیم از هم گسیختگی هویت را نشان دهیم و از بازی ابزاری با جنسیت دوری کنیم. با ریشی که امید روحانی دارد، رفتار سنگینی که از خود بروز می‌دهد و اینکه زن پوش نشده است، نشان می‌دهد به دنبال لوده بازی نبوده‌ایم و نخواستیم به هر قیمت از تماشاگر خنده بگیریم.

اشاره به خنده شد و بد نیست به 63 سال پیش بازگردیم که برای اولین بار این متن روی صحنه رفت. همان زمان یونسکو گفت که از خنده تماشاگران خیلی شگفت زده شده و انتظارش را نداشته است.

صحت: من فکر می‌کنم آقای یونسکو اینجا را اشتباه کرده است. چرا که تمام موقعیت‌های عجیب و غریب که با روال معمول و متداول زندگی متفاوت هستند، تماشاگران را به خنده می‌اندازند.

معتمدیان: البته بعداً یونسکو می‌گوید که من می‌دانستم این موقعیت‌ها و دیالوگ‌ها که می‌نویسم، خنده دار هستند.

صحت: پس بعداً فهمیده اشتباه کرده است.



تکه کلام ها و حاضر جوابی های سروش صحت، حال و هوای متفاوتی به این کافه خبر داده بود

اما از همان ابتدا تا پایان عمرش می‌گوید نوشته‌های تراژدی‌های زبان هستند.

معتمدیان: بله، چرا که نمی‌توانسته بگوید جوک نوشته‌ام تا دور هم بنشینیم تا بخندیم، روی این تراژیک بودن کارهای یونسکو به لحاظ زبانی، در بحث‌های مدرسه‌ای خیلی بیش از حد کار شده است. در واقع آواز خوان طاس یک تراژدی زندگی است و نه زبان.

اما مراد او از تراژدی زبان، آن است که امروز دیالوگ کارکرد خودش برای برقراری ارتباط بین مردم را از دست داده است. در واقع ادعای حرف می‌زنند، بدون آنکه به واسطه آن با هم ارتباط برقرار کنند. او از این سقوط تراژیک زبان می‌خواهد به تراژدی انسان امروزی برسد.

معتمدیان: اما بعدش که نمایشنامه «کرگن» را نوشت و مشهورتر شد، بارها می‌گوید که من می‌نوشتم و با خواندن آن‌ها در جمع دوستان مدام می‌خندیدیم.

بهاره رهنما: با این حال آن روح و حس تلخ کارهای یونسکو در اندم باقی می‌ماند. با اینکه تماشاگر می‌خندد اما تلخی به کامش می‌ماند. من خودم هرشب بعد از اجرا درگیر تلخی آن هستم و احساس غم می‌کنم.

صحت: یک تماشاگر شبی بعد از اجرا گفت من نمایشتان را دیدم، خیلی خندیدم، خیلی غمگین شدم و خیلی به فکر فرو رفتم.

رهنما: خانم ایلی گلستان هم در نقدشان همین را نوشته‌اند. البته یادآور می‌شوم با وجود آنکه آقای معتمدیان بازیگرانی داشت که با توجه به سابقه کارشان می‌توانستند مردم را بد جور به خنده بیاندازند، اما هیچگاه این کار را نکردند. اگر این کار هم افتاده به دلیل متن، میزانش و حرکت بازیگران در صحنه بوده است.

تو این جور کارها مشکل این است که خنده تماشاگر شاید باعث شود بازیگر با خودش بگوید شب بعد بر غلظت کارم می‌افزایم تا تماشاگر بیشتر بخندد.

شکیبیا: اتفاقاً بهمین تو تمرین بارها به می‌گفت که این کار نکن شاید باعث خنده شود که ما این نوع خنده را نمی‌خواهیم. با این وجود وقتی شب اول روی صحنه رفتیم و مردم خندیدند، خیلی برایم عجیب بود.



بازی ها در «آواز خوان طاس» با حال و هوای این نمایش تناسب خوبی داشت

کارتان را سخت هم کرد؟

شکیبیا: بله. من وقتی روی صحنه باشم و مردم بخندند، خیلی می‌ترسم. خیلی وقتی تماشاگر می‌خندد باید در ریتم بازی و نمایش تغییر بیاوریم. در واقع باید مکت کنیم تا خنده تماشاگر بیفتد و بعد ادامه دهیم.

بازیگران و کارگردان کار در تمرین نمایش «آواز خوان طاس» جقدر بده بستان داشتند.

معتمدیان: من خوب می‌دانستم چه می‌خواهم اما یک جاهایی را باز گذاشته بودم تا از بداهپردازی بچه‌ها استفاده کنم. ما یک ضرباهنگ زنده در تمرین داشتیم: من یک قدم بر می‌داشتم و بازیگران یک قدم و این کار را ادامه می‌دادیم تا با هم همراه شویم و به یک ریتم برسیم.

این بده بستان فقط در تمرین‌ها بود یا به اجراها هم کشیده شد؟

معتمدیان: با توجه به نوع خاص این تئاتر، به اجرا هم کشیده شد و کار را بازها رتوش کردیم.

نظر بازیگران در کم یا زیاد شدن دیالوگ‌ها هم تاثیر داشت؟

معتمدیان: بله، البته خیلی کم که بیشتر شامل حذف و کوتاه شدن دیالوگ‌ها می‌شد.

نام این نمایشنامه با اینکه «آواز خوان طاس» است، اما چنین شخصیتی در آن حضور ندارد و تنها در دو جمله از او یاد می‌شود. می‌خواهم بدان شما خودتان چه تصویر ذهنی از این آدم که تنها در دیالوگی ذکر خیرش می‌شود، داشتید؟

بهمین معتمدیان: من فکر می‌کردم موهایش را چه طور آرایش می‌کند. (خنده جمع)

در تصویر شما مرد است یا زن؟

معتمدیان: من همین قدر میدانم که گفتم.

صحت: من با نشین نام «آواز خوان طاس» فکر می‌کردم چند سال دیگر آقای بهمن معتمدیان به شکل او در می‌آید.

شکیبیا: فکر می‌کنم اینجا هم یونسکو می‌خواهد تیرهای نمایشنامه‌های قدیمی‌تر را که عصاره محتوای اثر یا نام قهرمان بود را به سخره بگیرد. تا سالها رسم بود نام قهرمان نمایشنامه یا محور محتوایی متن عنوان آن شود که یونسکو با این کار همه آن‌ها را مورد مضحکه قرار می‌دهد.

جنیدی: برای من یک کارکرد و مفهوم دیگر دارد. وقتی اسم کار «آواز خوان طاس» است، تماشاگر انتظار دارد این شخصیت بالاخره روی صحنه پدیداش شود که این اتفاق رخ نمی‌دهد. می‌توانم تصور کنم این انتظار و در نهایت ناامیدی تماشاگر چه حسی به او می‌دهد.

برای خود من این شخصیت یک معما بود که با خواندن یک اثر دیگر یونسکو حل شد. در نمایشنامه «عابر هوایی» که یونسکو سالها بعد از «آواز خوان طاس» می‌نویسد، یک شخصیت دختر بیجه وجود دارد که از صدایی خوش بهره‌مند است و اواسط متن می‌فهمیم طاس است و کلاه کیس بر سر دارد. در همان نمایشنامه به صراحت گفته می‌شود که او همان آواز خوان طاس است. جنیدی: چه جالب.

صحت: یونسکو هرچه می‌خواهد بگوید، اما من هنوز معتمدیان را چند سال بعد تو این شکل می‌بینم. (خنده جمع)

متن یونسکو سرشار از نشانه، ابهام و ابهام است که به طراحی صحنه هم راه پیدا کرده است؛ تصاویر جغذها، تندیس، صندلی‌های به هم چسبیده که مخالف جهت و پشت به هم هستند و... همه در این راستا قرار دارند. در این باره توضیح دهید.

بهاره رهنما: آن صندلی‌ها که در عین به هم چسبیدن خلاف جهت هم هستند، معنی زندگی مشترک را تداعی می‌کند.

آریان‌پور: در طراحی صحنه و لباس می‌خواستیم به فضایی سرد که قابل ارجاع نباشد، برسیم. برای همین هویت زمانی و مکانی‌اش را گرفتیم و به لحاظ فرم، اصل را بر معلق بودن گذاشتیم که از متن بر می‌آمد.

هدف بعدی آن بود تا به عینیت‌ها اشاره کنیم اما در آن‌ها نمانیم، البته اگر به من بود این عینیت‌ها را به شدت کمتر می‌کردم. شیروانی، در، چارچوب شومینه و... همه از جمله آن عینیت‌ها هستند که البته خیلی فضا را به سمت واقعی شدن صرف نمی‌برند. یک تدفیع دیگر ما آن بود تا صحنه آرایبی و بازی‌ها با هم یک فضا را بسازند و احساس دوگانگی به تماشاگر دست ندهد.

برخی از آنچه شما به کار برده‌اید، نشانه‌های شخصی یونسکو به شمار می‌آیند.

آریان‌پور: بله همین طور است.

بعد از طرح پرسش‌ها و بحث‌های خردمان، با اجازه شما می‌رویم سراغ سوال‌های کاربران خبر آنلاین. در این میان خیلی‌ها از کار تعریف و از شما تشکر کرده‌اند که خب آن‌ها را مطرح نمی‌کنیم.

صحت: اما در مطلبان تاکید کنید که خیلی‌ها تشکر کرده‌اند. (خنده جمع)

یکی از کاربران پرسیده چرا کارهای بکت و یونسکو به فیلم سینمایی تبدیل نشده‌اند؟

معتمدیان: به نظر من آن قدر از جنس تئاتر هستند که برای تبدیل به سینما مشکل پیدا می‌کنند. این یکی از ویژگی‌های مثبت نمایشنامه‌های این نویسنده است.

دیگر کاربر ما پرسیده چه شده این روزها بازیگران شناخته شده بیشتر از گذشته به تئاتر می‌آیند؟

صحت: برای من این صدق نمی‌کند، چرا که از اول در تئاتر کم کار کرده‌ام، تو سینما متوسط و در تلویزیون پر کار بوده‌ام و حالا هم همین طور است.

من همیشه پیشنهادهایم را می‌گذارم تو کفه ترازو و هرکدام را دوست داشته باشم انتخاب می‌کنم. متن، کارگردان، گروه، حال و هوای خودم، شرایط روحی روانی، پولی که می‌دهند و... باعث می‌شوند که یک کار سینمایی یا تئاتری یا تلویزیونی را انتخاب کنم.

جنیدی: برای من تئاتر جالب‌تر است و کیف بیشتری می‌کنم.

یک خواننده به نام خانوادگی علی‌پور پرسیده عوامل این کار، «آواز خوان طاس» را یک کمدی می‌دانند؟

معتمدیان: با اینکه کمدی طبقه بندی‌های گوناگون دارد، اما نمی‌توان این متن را در گروه کمدی قرار داد، با این وجود می‌توان گفت وجوه کمدیک دارد.

یک کاربر به نام محسن پرسیده آیا بازیگران «آواز خوان طاس» شرایط امروز سینمای ایران را نامناسب میدانند

که به تئاتر آمده‌اند؟

بهاره رهنما: با اینکه سینمای امروز ما حال و روز خوشی ندارد، اما به معنای آن نیست که بازیگران آنجا با پیشنهاد کاری روبرو نمی‌شوند و برای همین به صحنه نمایش می‌آیند. تئاتر به اندازه کافی جذابیت دارد و آدم در آن احساس راحتی می‌کند.

یک نفر دیگر پرسیده آیا تئاتر با معدود تماشاگر انش می‌تواند در جامعه تاثیر گذار باشد؟

صحت: جواب من به این پرسش هم بله و هم نه است. بستگی دارد از چه زاویه و به چه منظوری دارید به ماجرا نگاه می‌کنید. اگر من یک سنگ کوچک بیندازم روی زمین، می‌توانم گفت در کائنات تاثیر گذاشته‌ام و در مقابل اگر کره زمین نابود شود، در برابر جهان هستی آن قدر کوچک است که می‌توان به حسابش نیارود.

شکیبیا: بد نیست این مخاطب ما بپایند با اینکه شرایط تئاتر از نظر مالی و اداری و محدودیت‌ها بیشتر شده، اما تماشاگرانش نیز

افزایش پیدا کرده است. این تماشاگران به نسبت گذشته تشنه‌تر و آکافر هم شده‌اند.

مخاطب دیگری در باره تفاوت دستمزد بازیگران تئاتر و سینما پرسیده است؟
رهنما: من در تئاتر یک ششم سینما دستمزد می‌گیرم.

صحت (با خنده): البته معتمدیان گفته به من مثل سینما دستمزد خواهد داد.

کاربری به نام شیرین نیازی پرسیده آیا تئاتر آیزورد همان چیزی است که درد جامعه امروز ما را دوا می‌کند که به سراغ آن رفته‌اید؟

معتمدیان: آخر کدام متن درد جامعه ما را دوا می‌کند که حالا انتظار داریم نمایشنامه «آواز خوان طاس» این کار را بکند. با این وجود به نظر من این کار یونسکو خیلی با شرایط امروز جامعه ما تناسب دارد.

57245

کلیدواژه ها: [تئاتر](#) - [تماشاخانه ایرانشهر](#)

زمان انتشار: ۱۳۹۱/۸/۲۸ - ۲۲:۵۳ | نسخه چاپی امتیاز به این مطلب: (20)

مطالب مرتبط

کاریکاتور/ بهاره رهنما!
تقدیم یک نمایش به آقای بازیگر + روایت انتظامی از بازیگران زنی که دو چادر داشتند
بازیگرانی که کارشان یو ج نیست / عوامل نمایش «آواز خوان طاس» در کافه خبر
«آوازخوان طاس» در کافه خبر / برسرهای خود را مطرح کنید
عکس امید روحانی در نقش کلفت خانه
عکس یادگاری بهاره رهنما، سروش صحت، فلامک جنیدی و دیگر بازیگران نمایش «آواز خوان طاس»

نظرات [10]

۴	پاسخ به این نظر	۲۳:۱۳ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		کازمی یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۱۳	پاسخ به این نظر
<p>ماشاء الله به بازیگرانی مثل بهار رهنما که یک نمایش تمام نشده کار بعدی را آغاز می کنند . ایشان در حال حاضر در فرهنگسرای نیاوران در نمایش چشم هایی که مال توست بازی می کنند. فکر می کنم ششمین نمایش امسال خانم رهنماست</p>					
۵	پاسخ به این نظر	۲۳:۲۹ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		ازاده یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۲۹	پاسخ به این نظر
<p>بازیگر خوب هر جا باشد قدر و قیمت دارد . مثل سروش صحت و بهاره رهنما</p>					
۵	پاسخ به این نظر	۲۳:۳۹ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		عاطفه یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۳۹	پاسخ به این نظر
<p>معتمدیان: آخر کدام متن درد جامعه ما را دوا می‌کند که حالا انتظار داریم نمایشنامه «آواز خوان طاس» این کار را بکند. زنده باد</p>					
۳	پاسخ به این نظر	۲۳:۴۳ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		امین یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۴۳	پاسخ به این نظر
<p>انصافا سروش صحت و بهاره رهنما از بهترینهای طنز پردازان حال حاضر کشور هستند.</p>					
۲	پاسخ به این نظر	۲۳:۵۱ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		نیکتا یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۵۱	پاسخ به این نظر
<p>در زمانی که سینمای کمدی ما تبدیل شده به کمدی های هجو و مسخره ، تعجبی ندارد تمایل بازیگران به سمت تئاتر باشد</p>					
۴	پاسخ به این نظر	۲۳:۵۴ - ۱۳۹۱ آبان ۲۸		مجتبی یکشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۱ - ۲۳:۵۴	پاسخ به این نظر
<p>باورم نمیشه یک ششم دست مزد رو اصصصصلا عادلانه نیست !</p>					
۳	پاسخ به این نظر	۰۰:۰۳ - ۱۳۹۱ آبان ۲۹		نائل دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۱ - ۰۰:۰۳	پاسخ به این نظر
<p>سروش صحت تو مصاحبه هم ای ول دارد</p>					
۳	پاسخ به این نظر	۰۰:۱۵ - ۱۳۹۱ آبان ۲۹		سعید دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۱ - ۰۰:۱۵	پاسخ به این نظر
<p>گفتگوی بسیار جالبی بود بخصوص که تسلط و اطلاعات مصاحبه کننده به آثار یونسکو به مراتب بیشتر از مصاحبه شوتندگان بود و همین باعث جذابیت بیشتر گفتگو شده بود که این اتفاق در گفتگوهای خبر آن لاین کمتر مشاهده میشود. بخصوص آنجانیکه مصاحبه کننده از عوامل نمایش درباره علت نامگذاری اسم نمایشی که اجرا کرده اند سوال می کند.</p>					
۵	پاسخ به این نظر	۰۰:۳۰ - ۱۳۹۱ آبان ۲۹		بدون نام دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۱ - ۰۰:۳۰	پاسخ به این نظر
<p>نمایش خوبی بود . هم کارگردانی اش و هم بازی هایش</p>					
۲	پاسخ به این نظر	۱۶:۲۴ - ۱۳۹۱ آبان ۲۹		مهدی دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۱ - ۱۶:۲۴	پاسخ به این نظر
<p>گروه خوبی بودند و نمایش شان نیز خیلی خوب بود</p>					

ارسال نظر ارسال خبر به دیگران

نام

پست الکترونیک

آدرس وبسایت یا وبلاگ

نظر شما 0/700

 چنانچه تمایل دارید بلافاصله پس از انتشار نظرتان، موضوع به وسیله ایمیل به اطلاع شما رسانده شود مربع مقابل را علامت بزنید. چنانچه تمایل دارید واکنش متنی کاربران دیگر به نظر شما بلافاصله پس از انتشار از طریق ایمیل به اطلاع شما رسانده شود مربع مقابل را علامت بزنید.لطفا حاصل عبارت را در باکس مقابل وارد نمایید : 9 + 7 =

مشاهده قوانین ارسال نظر

ارسال نظر

[صفحه اصلی](#) | [درباره ما](#) | [ارتباط با ما](#) | [آرشیو روزانه](#) | [جستجو](#) | [نقشه سایت](#) | [نسخه موبایل](#) | [RSS](#) | [نسخه ممتی](#) | [نظرسنجی](#) | [عضویت در خبرنامه](#)

نقل مطالب یا ذکر منبع بلا مانع است.

Copyright © 2011 khabaronline, All rights reserved

